



درس تفسیر سوره مبارکه احزاب - جلسه ۱۹

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۴۱) وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۴۲) هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۴۳) تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (۴۴) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۴۵) وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا (۴۶) وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۴۷) وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴۸)﴾

علت مخاطب شدن پیامبر در چند جای سوره به «یا ایها النبی»

سوره مبارکه «احزاب» چون در مدینه نازل شد و مقدمات تأسیس نظام اسلامی از یک سو و تبیین فقه و حقوق و اخلاق اسلامی از سوی دیگر به عهده سور مدنی است لذا در این سوره چند جا از وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾^۱ یاد می‌کند و احکام خاص را هم مطرح می‌کند.

دلیل ذکر نام «زید» در قرآن کریم

جریان ذکر اسم زید برای آن است که این يك مسئله روز شد مرتب منافقین و کفار وسیله اذیت حضرت را فراهم می‌کردند لذا نام زید در قرآن کریم آمده است که فرمود: ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا﴾^۲ اسم زید را آورد برای اینکه بهانه و دسیسه و وسیله کفار و منافقین را بگیرد.

۱. سوره احزاب، آیات ۱، ۲۸، ۴۵، ۵۰ و ۵۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۷.

بعد يك اصل کلی را برای سلسله انبیا که جزء احکام نبوت عامه است مطرح فرمود، فرمود شما هم مطابق همین اصل کلی عمل کنید شما موظفید که احکام الهی را ابلاغ کنید اگر احیاناً هراس دارید که مردم نپذیرند آن تتمیمش به عنایت الهی است نظیر ﴿بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ بعد فرمود: ﴿وَاللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾^۱ اینجا هم فرمود شما این حکم را به مردم بازگو کنید که پسر خوانده، پسر نیست و همسر او هم همسر پسر انسان نیست حرمت ازدواج، محرمیت، جریان ارث هیچ کدام از اینها درباره پسر خوانده یا دختر خوانده جاری نیست این حکم را ذات اقدس الهی تنظیم کرد و شما این حکم را ابلاغ کنید و از اعتراض مردم نهراسید اینها گرفتار سنت جاهلی اند.

دلیل امر شدن پیامبر به اقتدای از وحی نه به انبیا

بعد فرمود اصلاً سلسله انبیا قاعده‌شان این است انبیا در خشیت موحدند ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾^۲ شما هم مشمول همین قاعده کلی نبوتید نظیر آنچه در سوره مبارکه «انعام» گذشت فرمود: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيُسْوَا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ بعد فرمود: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ﴾^۳ نه «بهم اقتده» به انبیا اقتدا نکن اما به آن وحی الهی که برای همه انبیا آمده است اقتدا بکن ﴿فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ﴾ نه «بهم اقتده» اینجا هم مسئله توحید در خشیت که مطرح شد بازگشتش به این است که ﴿فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ﴾ نه «بهم اقتده» انبیا وظیفه‌شان این طور است که احکام الهی را فرا می‌گیرند به مردم ابلاغ می‌کنند و هراس هم ندارند پس آنچه را شما هراس دارید بدانید که خدا تتمیم می‌کند،

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۹.

۳. سوره انعام، آیات ۸۹ و ۹۰.

علت مفرد آوردن فعل در ﴿وَتَخْشَى النَّاسَ﴾ و جمع آوردن در ﴿الَّذِينَ يُبْلَغُونَ...﴾

لذا در آیه ۳۷ همین سوره «احزاب» آنجا فعل را مفرد آورد فرمود: ﴿وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ چون آنجا خطاب به شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است اینجا هم برای سلسله انبیاست که جمع آورد فرمود انبیا اصولاً از غیر خدا خشیت ندارند شما هم که از سلسله انبیا (علیهم السلام) هستید نباید از غیر خدا خشیت داشته باشید این سرّ اینکه آنجا فعل مفرد است و اینجا جمع.

سرّ ذکر سیره انبیا در آیه ﴿الَّذِينَ يُبْلَغُونَ﴾

سرّ ذکر سیره انبیا برای آن است که آن خطّ مستقیم و حیانی را بیان کند همان طوری که آیه نود سوره «انعام» نفرمود به انبیا اقتدا کن بلکه فرمود به راه انبیا که راه الهی است اقتدا کن اینجا هم که توحید خشیت را مطرح می‌کند عصاره اش این است که راه انبیا که راه و حیانی است باید قُدوه شما باشد.

لزوم آشنایی مؤمنین به سیره نبوی و تبعیت آن

همان طوری که وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن اصول و اخلاق و آداب الهی آشنا شدند مؤمنان هم به تبعیت آن حضرت باید به امور الهی آشنا بشوند چون هر انسانی هر لحظه در معرض آسیب و گزند است این وسوسه، انسان را رها نمی‌کند آن ابلیس که از درون وسوسه می‌کند شیاطین انس هم که از بیرون آسیب می‌رسانند لذا فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ خیلی به یاد خدا باشید البته ذکر زبانی رقیق‌ترین و نازل‌ترین ذکر است لذا کمترین ثواب را دارد ذکر الهی که یاد قلبی خداست آن بهترین ثواب را دارد.

شما این روایات نورانی که مرحوم صدوق در توحید نقل کرد آنجا ملاحظه فرمودید که فرمود: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ اخلاصه أَنْ تَحْجِزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»^۱ فرمود اگر کسی مخلصاً این کلمه را بگوید اهل بهشت است بعد در ذیل حدیث، خود حضرت اخلاص را معنا کرده فرمود اخلاص این کلمه این است که این کلمه مانع گناه او باشد «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ اخلاصه أَنْ تَحْجِزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» آن وقت این می شود ذُکْر و یاد قلبی، نام لسانی يک درجه ثواب دارد یاد قلبی چندین درجه.

تبیین مصادیق ذکر و یاد خدا

مطلب دیگر اینکه یاد خدا تنها به همان صورت ذهنی نیست هر عمل خیری که قربة الى الله باشد یاد خداست نماز، روزه، حج، عمره، صدقه، احسان، صله رحم، رعایت پدر و مادر، حق همسایه ها، حق جامعه اسلامی، رعایت فقرا، رعایت نظام همه اینها ذکرالله است اگر کسی برای رضای خدا دارد نظامش را حفظ می کند مردم را تأمین می کند همسایه ها را رسیدگی می کند فقرا و بی سرپرستان را تأمین می کند این ذکرالله است پس اعمال و عبادات، ذکرالله است اعم از عبادیات و توصلیاتی که به قصد قربت انجام می شود ملاحظه بفرمایید که در جریان نماز فرمود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲ و در سوره «جمعه» تشویق به نماز جمعه را به عنوان تشویق به ذکر خدا یاد کرده است که «إِذَا تُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»^۳ نه «فاسعوا اليها» با اینکه اسم ظاهر قبلاً ذکر شد اگر می فرمود «اليها» کافی بود از نماز جمعه به عنوان ذکرالله یاد می کند یا از اصل صلوات به عنوان «ذکری» یاد می کند خب همین فضیلتی که برای نماز است برای زکات هم است ملاحظه فرمودید این روایت نورانی که درباره نماز وارد

۱. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۲۸.

۲. سوره طه، آیه ۱۴.

۳. سوره جمعه، آیه ۹.

شده که «الصلاة قربان کل تقی»^۴ درباره زکات هم آمده است^۵ یعنی هر انسان باتقوایی اگر بخواهد به خدا نزدیک شود قربة الی الله کار بکند مقرب عند الله باشد قربانی او، وسیله تقرّب او زکات است پس ﴿اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ مصادیق فراوانی دارد کثرتِ عددی از يك سو، تكثر صنفی از سوی دیگر همه اینها مشمول کثرت یاد خداست جریان تسبیح هم زیرمجموعه ذکر است ذکر تسبیح بعد از ذکر از باب ذکر خاص بعد از عام است.

سرّ مراجعه انسان به ذات اقدس ربوبی

برای اینکه انسان وقتی ذات اقدس الهی را از هر نقصی منزّه دانست به او مراجعه می‌کند به دو دلیل برای اینکه نقص خودش را می‌یابد خب همه ما فقر و نیاز خودمان را احساس می‌کنیم به کسی باید مراجعه کند که این دو صفت را داشته باشد يك: او خودش هیچ حاجتی نداشته باشد دو: به ما گفته باشد حاجت را از من هم بخواه خب هر دو را ذات اقدس الهی دارد فرمود شما ﴿الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾^۶ هستید، ﴿وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۷ خب اگر خدا ﴿غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۸ است که است و به ما فرمود که هر چه نیاز دارید از خدا بخواهید و فرمود: ﴿لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾^۹ پس وجهی ندارد ما از او چیزی نخواهیم پس ﴿سَبِّحُوهُ﴾ تسبیح بکنید او را تقدیس کنید او از حاجت منزّه است (يك) از خُلف وعده منزّه است (دو) پس بهتر است که به سراغ او برویم (سه) ﴿وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾.

دلالت آیه ﴿سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ بر لزوم ذکر دائمی انسان

مطلب بعدی آن است که ما در تعبیرات محاورات ادبی و عرفی هم می‌گوییم اول و آخر وقتی گفتیم اول و آخر یعنی این وسط هم داخل است اگر گفتیم اول و آخر جمعیت، اول و آخر محفل یعنی وسط هم داخل است اگر گفتند

۴. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۶. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۷. سوره نساء، آیه ۳۲.

۸. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۹. سوره روم، آیه ۶.

صبح و شام یعنی وسط روز هم داخل است اینکه فرمود: ﴿وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ تعبیرات عرفی ما هم همین طور است می‌گوییم صبح و شام این صبح و شام یعنی وسط روز هم مندرج تحت این زمان است ﴿وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ بنابراین هم از نظر زمان هم از نظر کیفیت و عدد ما موظفیم زیاد به یاد حق باشیم برای اینکه مرتب در معرض وسوسه و آسیب شیطانیم این طور نیست که او يك وقت خسته بشود و بیکار باشد و رها کند تعطیلی در کار شیطننت نیست.

پرسش: اینکه پیامبر فرمود: «ذکر علی عبادت».^{۱۰}

پاسخ: این هم از مصادیق ذکر است ولایت این طور است امامت این طور است و نظر به حضرت امیر عبادت است چون ذکر به معنای لفظ نیست هر کاری که انسان را متوجه نام خدا بکند عبادت است.

تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها) از مصادیق بارز ذکر کثیر

پرسش: تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها) از مصادیق...

پاسخ: آن ذکر کامل است جزء بهترین تعقیبات نماز هم همین است.

پرسش: در ذیل ﴿ادْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ آمده که تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها) مصداق ذکر کثیر است.

پاسخ: بله یکی از مصادیق روشن ذکر کثیر است این تفسیر مفهومی نیست تطبیق مصداقی است از بارزترین مصادیق ذکر کثیر همین تسبیح نورانی حضرت است.

﴿وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ یعنی مرتب بامداد و شامگاه به یاد خدا باشید.

چگونگی اخراج از ظلمت به نور مؤمنین تحت ولایت الله

در سوره مبارکه «بقره» در همان آیه الکرسی فرمود: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ هدف ولایت هم این بود که ﴿يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^{۱۱} آنجا فرمود مؤمنین تحت ولایت الله اند و خدای سبحان مولی علیه خود را از ظلمت ها به نور خارج می کند برای افراد عادی این اخراج به عنوان رفع است و برای اوحدی از اهل ایمان به عنوان دفع است افرادی که - خدای ناکرده - آلوده شدند خدا اینها را از ظلمت گناه به نور توبه و طاعت منتقل می کند این لطف الهی است کسانی که برتر از عصیان اند خدا آنها را اخراج می کند از ظلمت به نور یعنی دفع است یعنی نمی گذارد که اینها وارد ظلمت بشوند این هم يك تعبیر عادی است وقتی به کسی بگویند فلان محفل، فلان همایش یا فلان کنفرانس یا فلان گردهمایی مخصوص مثلاً فلان دانشمندان رشته خاص پزشکی است خب اگر کسی اهل آن رشته نباشد می گویند نرو، بیرون می کنند این بیرون می کنند معنایش این نیست که به شما اجازه می دهند که بروید داخل بعد بیرونتان می کنند معنایش این است که راه نمی دهند این اخراج گاهی دفع است گاهی دفع، نسبت به افراد عادی که مبتلا شدند خدا توفیق توبه نصیبشان می کند اینها را از ظلمت بیرون می آورد این می شود اخراج دفعی، درباره اوحدی از مؤمنان که الحمدلله آلوده نشدند این اخراج دفعی است نه رفع یعنی نمی گذارد اینها آلوده بشوند. در آن آیه فرمود: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ حالا راه اخراج چیست این آیه سوره «احزاب» مشخص می کند که راه اخراج از ظلمت به نور چیست.

بررسی چگونگی صلوات الهی در قلوب مؤمنین

فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ﴾ خدای سبحان آن تصلیه آن رحمت خاص را نصیب شما می کند آن رحمت تشریعی را که نصیب همه کرده است ولی این گرایش این علاقه این کوشش [چیز دیگر است] می بینید بعضی ها همین که اول وقت می شود برای نماز اول وقت بی تاب اند بعضی ها متأسفانه می بینید با اینکه دارند اذان

می‌گویند اینها مرتب اطراف حرم دارند می‌گردند مشغول بیع و شراء هستند غازی می‌خوانند اما آن حساسیت را ندارند. این گرایش این طیش این علاقه که من با خدای خودم در اولین فرصت گفتگو کنم این يك نورانیّت است در قلب هر کسی نیست، اگر این نورانیّت پیدا شد بداند این صلوات الهی است و همچنین درباره سایر کارها فرمود:

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ﴾.

تفاوت صلوات خداوند بر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلّم) و مؤمنین

در جریان تسلیه بر پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلّم) با جلال و شکوه بر پیغمبر تسلیه دارد در همین سوره مبارکه «احزاب» وقتی تسلیه بر پیغمبر را یاد می‌کند با جلال و شکوه یاد می‌کند همین آیه معروف که ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^{۱۲} در همین سوره مبارکه «احزاب» با اجلال و تکریم بر پیغمبر صلوات می‌فرستد مستحضرید که اگر شخصیت بزرگی بخواهد از مهمان تازه‌وارد آن شهر احترام به عمل بیاورد با همه همراهان یا علما به دیدار او می‌روند اما اگر يك فرد عادی باشد ممکن است تنها خودش به دیدار او برود دیگران هم جداگانه به دیدار او بروند در تسلیه بر مؤمنین همین کار را کرده فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ﴾ این جمله تمام می‌شود ﴿وَمَلَائِكَتُهُ﴾ یعنی ﴿مَلَائِكَتُهُ﴾ هم «يُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ» اینها با هم نیستند اما در آن آیه‌ای که معروف به تسلیه به حضرت است فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ﴾ اینها با هم این کار را می‌کنند خب خیلی فرق است بین آن آیه و این آیه محلّ بحث. به هر تقدیر اگر برای آنهاست که دفع است اگر برای مؤمنین است که رفع است این تسلیه و صلوات و رحمت ویژه الهی همان حالت‌های نورانی است که برای انسان پیدا می‌شود انسان طوری است که از لغزش‌ها متنفر است از کارهای حرام بیزار است وقتی پیشنهاد خلاف به او می‌دهند می‌بینند بدنش می‌لرزد اهل این کار نیست معلوم می‌شود این يك عنایت الهی است که غیر از آن هدایت عامّه نصیب او شده از این فرصت باید حداکثر استفاده را کرد.

چگونگی برخورد خداوند نسبت به مؤمنین در دنیا و آخرت

اگر کسی مؤمن باشد خدا در دنیا نسبت به او يك برخورد خاص دارد (يك) بعد از دنیا هم نسبت به او يك برخورد ویژه دارد (دو) در دنیا این گرایش‌ها و این علاقه‌ها و این محبت‌ها و این فرصت‌ها را در اختیار او قرار می‌دهد بعد از مرگ هم با سلامت هستند درست است هنگام مردن فشار هست یا در طلیعه قبر و برزخ فشار هست یا در ساهره قیامت فشار هست صحنه‌ای است که ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ﴾ اما در همه این موارد که يوم‌اللقاء است او راحت راحت است ﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ﴾ پس این در کمال سلامت به سر می‌برد. پس در دنیا برای مؤمن این خصیصه هست که ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ﴾ (يك) و ملائکه او هم «يصلُّونَ عليكم» (دو) بعد از مرگ هم ﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ﴾.

تبیین چگونگی ملاقات انسان با خداوند در قیامت

در مسئله ملاقات وقتی گفته می‌شود انسان به لقاء الله می‌رود - معاذ الله - سخن از دیدن نیست آیه‌ای که دارد ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾^{۱۳} نفرمود عیون و ابصار فرمود وجوه ناظر است آن چهره هستی ناظر است انسان با وجه که نمی‌بیند با چشم می‌بیند و چون خدا دیدنی نیست لقای الهی لقای بصری و امثال ذلك نیست بلکه با تمام هویت شخص این فیض نصیب او می‌شود گاهی از آن به وجوه یاد می‌کند گاهی هم نام وجوه را هم نمی‌برد آن روز تمام هویت انسان، فیض خدا و رحمت الهی را ملاقات می‌کند خب پس در دنیا ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ﴾ است ﴿لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ که ظلمات جمع است و با الف و لام ذکر شده نور هم مفرد است گرچه با الف و لام ذکر شده و حقیقت نور یکی است ظلمت‌ها، پراکندگی و راه‌های معاصی فراوان است.

۱۳. سوره قیامت، آیات ۲۲ و ۲۳.

علت تصریح اسم ظاهر به جای ضمیر در آیه ﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾

بعد این «کان» که مفید استمرار است درباره مؤمنین، دلیل این تصریح است ﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ این رحمت هم رحمت خاصه است وگرنه آن ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ که برای همه هست آن هدایت عامه که ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ﴾^{۱۴} برای همه هست اگر می فرمود «و کان بکم رحیم» ضمیر می آورد مطلب حاصل بود اما برای اینکه علت این تصریح را ذکر بکند اسم ظاهر آورده فرمود: ﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ چون تاکنون دو ضمیر جمع مذكر سالم را به عنوان مخاطب ذکر فرمود، فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ﴾ (يك) ﴿لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (دو) خب سومی را اگر می فرمود «و کان بکم رحیم» که نزدیک تر و آسان تر بود اما وقتی می فرماید: ﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ نشان آن است که شما مادامی که مؤمن هستید از این فضایل بهره می برید و سبب رحمت ویژه همان ایمان مؤمنین است این برای دنیا.

سلام ملائکه بر مؤمنین در حال قبض روح و لذت آن

بعد از دنیا هم ﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ﴾ انسان در حال احتضار تمام مجاری ادراکی اش بسته می شود یعنی حتی نزدیک ترین ارحامش را که فرزندان او هستند نمی شناسد لکن فرشته های رحمت و اولیای الهی را که می آیند در کنار او را می بیند. در قرآن کریم فرمود يك عده در حال رحلت اگر طیبین باشد ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾^{۱۵} فرشته ها با سلام وارد می شوند با سلام عرض ارادت می کنند با سلام قبض روح می کنند هیچ لذتی برای مؤمن در تمام عمر به اندازه لذت جان دادن نیست چنین فضیلتی است با اینکه این برای بسیاری از افراد این داء عضال است او در کمال راحتی اصلاً یادش نیست که زن و بچه داشت وقتی یادش نباشد که نگران نیست این لذت برای او هست ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ﴾ در بخشی یا حال احتضار یا حال ورود به برزخ یا حال

۱۴. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۱۵. سوره نحل، آیه ۳۲.

ورود به بهشت دارد ﴿يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾ با این احترام، خب اینها سلام الهی را می‌رسانند به اذن خودشان که سخن نمی‌گویند پس ﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ﴾.

تفاوت مرگ مؤمنین و تبهکاران

پرسش:.... پاسخ: به الله دیگر، چون این ﴿هُوَ﴾ که فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي﴾ برای الله است ﴿لِيُخْرِجَكُم﴾ الله است ﴿كَانَ﴾ الله است ﴿رَحِيماً﴾ الله است ﴿يَلْقَوْنَهُ﴾ هم به همان الله برمی‌گردد.

پرسش:.... پاسخ: نه، ملك الموت هم به اذن اوست چون تمام ضمایر قبلی به الله برمی‌گردد. درباره ملك الموت [و فرشتگان تحت امر او] آن آیه بود که ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ﴾، آنجا ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ﴾ هم دارد چه اینکه درباره کسانی که تبهکارانه می‌میرند ﴿إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ﴾^{۱۶} هم همین است دو جای قرآن دارد که فرشته‌ها هنگام قبض روح تبهکاران مُشت به پشت اینها می‌زنند سیلی به صورت اینها می‌زنند^{۱۷} همین است کسانی که ﴿ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾^{۱۸} اینها کسانی‌اند که ﴿إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ﴾، بنابراین تمام آن ضمایر قبلی به خود ذات اقدس الهی برمی‌گشت این هم به او برمی‌گردد ﴿يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ﴾، ﴿أَعَدَّ﴾ هم باز به الله برمی‌گردد خدای سبحان برای مؤمنین در دنیا که این تصلیه و اخراج از ظلمات را تأمین کرده است برای آنها در قیامت اجر کریم آماده کرد.

پرسش: بعضی از اهل معنا گفتند: «رخش ببینم و تسلیم وی کنم»^{۱۹} این چه دیدنی است؟

۱۶. سوره محمد، آیه ۲۷.

۱۷. سوره انفال، آیه ۵۰؛ سوره محمد، آیه ۲۷.

۱۸. سوره نساء، آیه ۹۷؛ سوره نحل، آیه ۲۸.

۱۹. دیوان حافظ، غزل ۳۵۱.

پاسخ: نه ديگر، اينجا آرزوست اين جمله‌ها چه فارسي چه عربي اينها دعاست به منزله انشاست نه به منزله خبر يعني فيضش را ببينم هر جا سخن از لقاء است به فيض الهي و به وجه الله برمي گردد فرمود: ﴿فَأَيُّنَّمَا تُؤَلُّوْا فَتَمَّ وَجْهُهُ اللّٰهُ﴾.^{۲۰}

اجلال و تکریم بودن آماده‌سازی بهشت برای مؤمنین

در مسئله اعداد و آماده کردن يك وقت است کسی مهمان دارد چون می‌داند وقتی مهمان آمده است ديگر فرصت آماده کردن ندارد اين للعجز قبلاً آماده می‌کند اما چگونه ذات اقدس الهي قبل از ورود مهمان‌ها اينها را آماده می‌کند می‌گویند اعداد گاهی للعجز است گاهی للإجلال و التکریم نه تجلیل، تجلیل می‌گویند «جَلَّلَ الفرس» يعني «ستره بالجل» در دعاها هم هرگز تجلیل به معنای اکرام نيامده «جَلَّلَنِي بَسْتَرِكَ»^{۲۱} يعني به آن چیزی که انسان را می‌پوشاند ما را با آن بپوشان اما «أَجَلَّ» يعني اجلال کرد، گرامی داشت اينکه می‌گویند همایش تجلیل اين تام نيست همایش اجلال و تکریم به هر تقدير برای اجلال و تکریم، نعمت‌هایی که بايد به بهشتی‌ها عطا بکنند را آماده کنند پس اگر فرمود: ﴿وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا﴾^{۲۲} همين است ﴿أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^{۲۳} هم همين است ﴿أُزْلِفَتْ﴾ يعني «اعدت» بهشت برای مردان باتقوا آماده است اين نه برای آن است که - معاذ الله - انسان وقتی وارد شد خدا از تسريع در کار عاجز است بلکه اين نشانه گراميداشت و انتظار صحيح ورود بهشتی‌هاست. اين تربيت‌هایی بود که خدای سبحان نسبت به مؤمنين روا داشت چون اصلِ سوره با ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ شروع شده است آغاز سوره احزاب اين است ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ که پيشنهادهای گوناگونی می‌دادند که مطابق با نظام اسلامي نبود.

۲۰. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۲۱. الامالی (شيخ صدوق)، ص ۲۱۹.

۲۲. سوره شعراء، آیه ۹۰؛ سوره ق، آیه ۳۱.

تبیین اطلاق شاهد اعمال امت بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

چند بار در همین سوره مبارکه احزاب همان طور که ملاحظه فرمودید با ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ خدای سبحان با پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن می گوید هم اجلال و تکریم آن حضرت را می رساند هم عنایت آن حضرت به امت را می رساند هم وظیفه را در پیشگاه آن حضرت بیان می کند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ﴾ با این اوصاف، برخی از اینها به کمالات روحی و علمی تو برمی گردد بعضی از اینها به رهبری های تو برمی گردد ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا﴾ در دنیا می بینی و در آخرت شهادت می دهی که دنیا ظرف تحمل حادثه است که می گویند تحمل شهادت که شاهد آن است که در حین واقعه حضور داشته باشد و ببیند، قیامت در محکمه الهی ظرف ادای شهادت است آنچه را شاهد در حین حادثه دید در صحنه قضا و داوری ادا می کند وجود مبارک حضرت هم در دنیا شاهد است کاملاً می بیند هم در صحنه داوری شهادت را ادا می کند که ﴿إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾^{۲۳} که حضرت شهید شهدا هم خواهد بود نه تنها شهید امت است شهید انبیا و شهید امم و آنچه بر این مجموعه می گذرد او شهید شهدا هم هست آن می شود محکمه شهادت که ظرف ادای شهادت است. فرمود ما بالقول المطلق تو را شاهد قرار دادیم این آیه نورانی سوره مبارکه توبه هم که فرمود: ﴿قُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ﴾^{۲۴} آن ﴿رَسُولُهُ﴾ که می بیند یعنی شاهد است امروز شاهد است دارند می بینند و فردا شهادت می دهند پس شاهد به این معناست. برای ترغیب آن فضایل تو باید مبشّر باشی برای ترهیب از رذایل که رهبت و بی رغبتی و خوف ایجاد کنی باید مُنذر باشی که می گوئیم ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾^{۲۵} و مانند آن.

۲۳. سوره نساء، آیه ۴۱.

۲۴. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۲۵. سوره مدثر، آیه ۲.

اما گذشته از شهادت، گذشته از تبشیر، گذشته از انذار باید اینها را کنار سفره ما دعوت کنی اینجاست که اذن ویژه می‌خواهد خب اگر کسی دیگران را به کنار سفره خاصّ يك صاحب‌خانه دعوت می‌کند باید به اذن او باشد اگر این ﴿بِإِذْنِهِ﴾ به همه آن اوصاف قبلی برگشت که خب فهو المطلوب، اگر برگشت مخصوص ﴿دَاعِيًا﴾ بود برای اینکه دعوت، اذن می‌خواهد خب چون نمی‌شود که انسان به خانه کسی دعوت بکند و از صاحب‌خانه اذن نداشته باشد اما تبلیغ کردن، سخنرانی کردن، شاهد اعمال آنها بودن این با خود رسالت سازگار است اما کسی را بخواهند به لقای خدا دعوت کنند کنار سفره الهی و میزبانی الهی دعوت کنند خب این باید اذن داشته باشند.

بررسی تأکیدی بودن اذن نه ویژه بودن آن

ولی ظاهراً این ﴿بِإِذْنِهِ﴾ به همه اینها برمی‌گردد گرچه ﴿أَرْسَلْنَاكَ﴾ خودش کافی است اما تأکیداً ﴿بِإِذْنِهِ﴾ آمده که محفوف است به ارسال از آغاز و به اذن در انجام؛ ﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ﴾. گاهی می‌فرماید به اذن خدا، گاهی می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾^{۲۶} دیگر اینجا جای اذن نیست که باذن الله بگوید برای اینکه خود خدا فرمود بگو، وقتی خدا فرمود: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾ دیگر لازم نیست بگوید باذن الله همین که به من فرمود بگو، این اذن است اگر در آن آیه کلمه اذن نیامده برای اینکه در صدر آیه تصریح دارد که خدا فرمود بگو، یعنی این حرف، حرف من است که تو داری می‌گویی ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ اما اگر این ﴿بِإِذْنِهِ﴾ به همه برگردد کما هو الحق دیگر خصیصه‌ای برای دعوت نمی‌ماند هم اوّلش فرمود ما فرستادیم هم در پایش می‌فرماید این کاری که تو انجام می‌دهی به اذن خداست.

سراج منیر بودن پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) و دوری و هابیت از آن

﴿وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ این سراج منیر دیگر سخن از اذن نیست يك ملكه تکوینی است فضیلتی است ما روشن کردیم کسانی که با تو در ارتباطاند با نور در ارتباطاند این و هابیت و امثال ذلك واقعاً بیراهه می‌روند بارها به عرضتان رسید الآن ما صدها کار را با شمس و قمر انجام می‌دهیم خب - معاذ الله - مگر ما شمس پرستیم این نور را حالا دادند دارند استفاده می‌کنیم و می‌دانیم خدا به اینها داده خب علی و اولاد علی (علیهم السلام) که هزارها بار از شمس و قمر بالاترند انسان اگر از آنها نور بگیرد فیض بگیرد این مشکلی دارد چطور شما درباره آفتاب این حرف را نمی‌زنید یعنی ما کارها را با آفتاب هماهنگ نمی‌کنیم خودمان را در برابر آفتاب قرار نمی‌دهیم نمی‌گوییم ما خانه‌مان رو به آفتاب باشد این مزرعه و مرتعمان رو به آفتاب باشد خب همین است اینها که ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ تعقیبشان می‌کند و اهل بیت که برای همیشه به اذن خدا در دنیا و آخرت باقی‌اند بنابراین اینها واقعاً از مسئله توحید بی‌خبرند و نمی‌دانند شیعه اگر به اهل بیت ارادت‌مند است و از آنها فیض می‌گیرد برای اینکه خدا به اینها کمال داده فرمود تو چراغی ما تو را چراغ قرار دادیم خودش هم می‌فرماید من هم از حسین هم از من است^{۲۷} اینها سراج منیرند خب اگر انسان از سراج منیر علم بگیرد، معنویت بگیرد، کمال بگیرد این مشکل دارد؟! فرمود ما تو را به این فیض رساندیم ﴿سِرَاجًا مُنِيرًا﴾.

امر به بشارت بر مؤمنین و شمول فضل الهی بر آنان

حالا که این چنین است ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ بعضی از موارد است که تبشیر و انذار کنار هم است مثل همین آیه ۴۵ و بخش پایانی سوره مبارکه نساء که فرمود: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ﴾ برخی از آیات که در سیاق رحمت الهی است مثل اینکه فرمود: ﴿وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ دیگر سخن از انذار نیست فرمود گرچه تو مبشّر و منذری اما ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَن لَّهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا﴾ اگر کسی واقعاً مؤمن باشد نه بیراهه برود نه راه کسی را ببندد فضل

الهی فراوان است خب اگر خدا از چیزی به عنوان فضل با بزرگی یاد می‌کند فرمود فضلِ کبیر است دیگر انسان نگران هیچ چیزی نباید باشد مخصوصاً حوزویان و کسانی که درصدد تحصیل علوم الهی‌اند.

اخبار به بی‌اثر شدن دسیسه‌های کفار و منافقین با توکل

بعد بخشی از همان آیه‌ای که در اول سوره مبارکه احزاب آمده اینجا آمده از خطر منافقان و کفار باخبر کرد فرمود پیشنهادهای اینها، راه‌حل‌های اینها، دسیسه‌های اینها، وسوسه‌های اینها هیچ کدام اثر نمی‌کند ﴿وَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ﴾ تو درباره پسر خوانده يك سنت باطل جاهلی بود برداشتی حالا ممکن است آنها حرف‌های تند بزن این اذیت اینها را رها بکن در مسائل جنگ احزاب و خندق و اینها هم ممکن است مسائل سیاسی و نظامی داشته باشند اذیت اینها را رها بکن ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾.

«و الحمد لله رب العالمين»